

ششم جدی- سند وطن فروشی و سوسیال-خیانت پیشه گی مزدوران سوسیال-امپریالیسم "شوروی"- را تقبیح کنیم

باند های رویونیستی و مزدور منش "خلق" و پرچم از همان بدو نضج گیری ثابت نمودند که نطفه های حرام سوسیال-امپریالیسم "شوروی" بوده و نه تنها با انقلاب و مبارزه انقلابی بیگانه و در جهت مخالف با آن قرار دارند بل دشمنان سوگند خورده و خلق های افغانستان نیز اند. همگان میدانند که چگونه ترکی پلید دست ظاهر شاه را بوسید. همگان دیده شنیده و خوانده اند که کارمل- بخوان دربارمل مزدور ستم شاهی- چگونه ظاهر شاه مستبد را (دموکرات ترین شاه آسیا) خوانده بود. وطن فروشان "خلق" و پرچمی در زمان "جمهوری" استبدادی سردار محمد داود نیز دست از کرنش در برابر قدرت ارتجاعی حاکمه بر نداشتند و با خزیدن در لاک "جمهوری خواهی" کذایی شریک با وی به سرکوب جنبش انقلابی خلق های کشور ادامه دادند. مماشانات 'تبانای و همدستی سردار داود با پرچمی ها از همان "طلوع" جمهوری کذایی بر همه خلق های این سرزمین معلوم بود و مولود کثیف این تبانای و همدستی حاکمیت خونخواری بود که انک مزدوری سوسیال-امپریالیسم و بار کرنش در برابر فنودالیسم را با خود داشت. "خلق"-پرچمی ها همانگونه که سرشت مزدور منشانه و جاسوسانه و شان حکم میکرد به سردار "دیوانه" نیز وفا نکردند و وی را در برهوت خوش باوری های سال های آغازین حاکمیت تنها گذاشتند. داود طی سالهای اخیر حاکمیت خویش متوجه گردید که "متحدین" وی یعنی آن نیرو هایی که در به قدرت رسیدن وی نقش اساسی داشتند اینک در صدد از میان برداشتن وی اند. اما دیگر دیر شده بود و جواسیس سوسیال-امپریالیسم روس در تار و پود رژیم فنودال-بیروکرات - کمپرادور داود خانی ریشه دوانیده بودند. داود که خود بنده و آمال و اغراض فنودالانه بود' به دست "یکی بنده بر کشته شد" و آن بنده همان نیروی مزدوری بود که از اواسط سالهای دهه ششم سده بیستم تمهید توطئه میچید تا پای "خرس" استعمار "شرق" را به سرزمین ما خوش راحت بکشاند! آری! آن داودی که زمانی با نازیسم هیتلری

نرد عشق می باخت اینک شوکران دوستی با خرس قطبی استعمار سوسیال-امپریالیستی را سر میکشید!

صدر اکرم یاری چه به جا و داهیانہ خطر سوسیال-امپریالیسم را قبل از وقوع کودتای رویونیستی "حزب دموکراتیک خلق" بیان داشته است:

" مبارزه علیه اشکال گوناگون رویونیسم و به خاطر صفای مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون که در نفس سوسیالیسم علمی جا دارد در اوضاع بین المللی کنونی که خطر عمده را برای استقلال کشور های منطقه جنوب آسیا سوسیال امپریالیسم شوروی پرچمدار رویونیسم معاصر تشکیل میدهد اهمیت قاطع برای حفظ و استحکام استقلال کشور کسب میکند بویژه آنکه شیوه نفوذ و گسترش سیاست توسعه طلبانه شوروی خیلی محیلانه تر و جاذب تر از شیوه امپریالیسم امریکا بوده و با پیرایش ظاهری با جملات مارکسیستی و استفاده ناجایز از نام لنین کبیر میتواند به مقیاس وسیع تر در میان اقشار ناراضی ای جامعه جا باز نماید و علاوه بر آن جز جنبش کارگری و دهقانی به رهبری مارکسیسم-لنینیسم هیچ طبقه دیگر قادر نیست در امر جلوگیری و خنثی ساختن این روند ضد مارکسیستی و ضد ملی به نحوی قاطع و پی گیرانه و همه جانبه مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک را از پیش ببرد. بدین صورت دیده میشود که جنبش مارکسیستی در اوضاع کنونی جهانی نه تنها محض یک جنبش طبقاتی به معنی اخص کلمه است بلکه در عین حال جنبشی است ملی که علیه هر گونه و بویژه خطرناکترین جدیدترین نوع اسارت ملی و انقیاد کشور توسط یکی از نیرومند ترین قدرت های عصر حاضر. این جنبش در عین حال که از صفای علم مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون با سرسختی ای تمام دفاع میکند جز بر طبقه کارگر و زحمتکشان کشور خود بر هیچ نیروی خارجی اتکا نداشته در عین حال از همبسته گی ای کارگران و زحمتکشان جهان دفاع نموده و از آنها الهام گرفته و خود را جزو جدایی ناپذیر آن می شمارد."

خطری که صدر اکرم یاری از آن صحبت می نمود چهره ی عفریت خویش را وانمون ساخت و به شکل اهریمن کودتای هفت ثور هست و بود مادی و معنوی ما را نثار قدم های سوسیال-امپریالیسم روس نمود. کودتای هفت ثور جز از برای کشانیدن پای استعمار "شوروی" و گسترش سیطره استعماری آن بر منطقه مرآمی نداشت. مزدوران هفت ثوری اعم از "خلق" و پرچمی و "ستمی" همه از "همسایه گی کشور بزرگ شوراها به مثابه متکای بین المللی انقلاب ثور" یاد میکردند. غول استعماری

سوسیال امپریالیسم تزار های نوین با آنکه از سوسیال-خیانت پیشه گی های تره کی و امین منتهای استفاده را بردند اما هنوز تشنه ی خون بودند. تزار های نوین میخواستند که با تجاوز عریان و مستقیم بر افغانستان گامی "عملی" در راستای نزدیک شدن به "آب های گرم" گذارند. برای نیل به چنین مرام شومی^۱ آنان دربارمل کثیف را بزک "مرحله نوین" کردند و با قبای تزارملی بر اریکه ننگ و دست نشانده گی قرار دادند. ببرک کارمل این شاید تاریخ معاصر افغانستان همانند حامد کرزی سر بر آستان بیگانه گان متجاوز سوده و با توپ و تفنگ اشغالگران بر کرسی "ریاست جمهوری" نشست! ششم جدی روز تجاوز عریان و بیشرمانه سوسیال-امپریالیسم "شوروی" بر افغانستان که روز جلوس تزارمل وطن فروش بر اریکه بنده گی است^۲ حاصل وطن فروشی و دون مایه گی مزدوران سوسیال امپریالیسم روس بوده و برای ابد لکه ی ننگی است که از سوی هر افغانستانی وطن پرست مورد تقبیح قرار خواهد گرفت. آری! میان مارکسیست ها و رویونیست ها هزاران دریای خون فاصله است. مارکسیست ها در دفاع از مام وطن و دوشادوش خلق های آزادیخواه این سرزمین در برابر متجاوزان و مزدوران "وطنی" شان ایستادند. اما رویونیست های "خلق" و پرچی در آغوش برژنف ها چرننکو ها اندروپف ها و گرباچف ها "مشق دلربایی آموختند" و جاودانه در بستر خفت و دنانت پوسیدند!

صدر اکرم یاری به درستی میگفت که جنبش ملی و مقاومت گر در برابر توسعه طلبی سوسیال امپریالیسم^۱ "جز بر طبقه کارگر و زحمتکشان کشور خود بر هیچ نیروی خارجی اتکا نداشته" باشد! اما آنانیکه به مارکسیسم خیانت نمودند و همانند رویونیست های "خلق" و پرچی از طبقات ارتجاعی نماینده گی نمودند^۲ به تنها چیزی که فکر نمی کردند منافع تاریخی پرولتاریا و زحمتکشان افغانستان بود.

رویزیونیست هایی که زمانی بر ضد شعله جاوید موضع گیری کردند و به آن ترتیب در تبنانی با "خلق" و پرچم قرار گرفتند^۳ حال از موضع اکونومیستی و "سه جهانی" از پرولتاریا بریدند و با اخوانیزم و فنودال کمپرادور ها جبهه ساختند و نامش را ماندند مقاومت "شعله ای" و مبارزه در برابر اشغالگران!

اخوانی ها و رویونیست های "سه جهانی" اگر در برابر اشغالگران سوسیال-امپریالیست قرار گرفتند^۴ از موضع پرولتاریا و منافع کارگران و دهقانان سخن نگفتند و تفنگ نزدند. آنان از موضع فنودال کمپرادوریسم و هم مخرج با اخوانیزم در برابر اشغالگران صف آریی کردند. از همین رو بود که ماحصل آن چیزی سواى همگانی

شدن گسترش موج مقاومت دروغین و اخوان زده نبود. آری! اکونومیست ها و موج بعدی "سه جهانی" شان راه را برای سیطره اخوانی ها بر جنبش مقاومت خلق ها باز کردند.

قسمی که فوقا نیز به نقل از صدر یاری آوردیم موضع گیری مائوئیستی در آن زمان بر آن بود که " جز جنبشی کارگری و دهقانی برهبری مارکسیسم-لنینیسم هیچ طبقه دیگر قادر نیست در امر جلوگیری و خنثی ساختن" روند رویزیونیستی و ضد ملی "حزب دموکراتیک خلق" که در حقیقت گسترش سیطره سوسیال-امپریالیسم بر افغانستان را در قبال داشت پی گیری نشان دهد.

اگر آن عده از مدعیان دروغین "شعله جاوید" که قبلا در برابر جریان شعله جاوید و سازمان جوانان مترقی شوریده بودند صادق می بودند و درس مائوئیستی صدر اکرم یاری را به خاطر میسپردند هرگز جز به جنبش کارگری و دهقانی برهبری مارکسیسم-لنینیسم دل نمی بستند و در گرداب اکونومیسم و "سه جهانی گری" به مرداب کودتا-قیام گرایی فرو نمی افتادند.

ششم جدی را به خاطر بسپاریم. به خاطر بسپاریم تا به تقبیح وطن فروشی و وطن فروشان بیش از پیش اقدام ورزیم. ششم جدی را تقبیح کنیم تا باشد که روی یانکی مل کثیف که از "میله تفنگ امریکایی ها-شرکا" تولد یافته است بیش از پیش سیاه شود.

ششم جدی را تقبیح کنیم تا میراث تقبیح کننده گان برای آینده گان نیز انتقال یابد. تا باشد که گذشته اکنون و آینده نسل انقلاب و ترقی با استواری تام در برابر تزارمل ها و یانکی مل ها بایستند. تا باشد که باز آزادی ملی را تافته ای جدا بافته از انقلاب دموکراتیک نوین نیانگارند و بدانند که همانگونه که صدر یاری میگفت مسئله ملی رانمی توان به گونه ای اصیل جز در بستر مارکسیسم به بررسی و تحلیل راستین نشست. آزادی ملی جز با راه اندازی جنگ ممتد خلق و جز با پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین میسر نیست. از همین رو است که کسانی از قماش مرده ریگ رویزیونیسم دیروز که امروزه هنوز از "تداوم" و "پوینده گی" سخن میگویند تنها از آزادی ملی سخن میگویند و انقلاب دموکراتیک نوین را به "فراموشی" سپرده اند. این "فراموشی" چیزی جز "نو" ساختن رویزیونیسم "مرحله مرحله"انگاشتن انقلاب افغانستان یعنی چیزی جز مرده ریگ "رهای" نیست. این "فراموشی" چیزی جز همان "آزادی ملی" نیست که "ملی باوران" رویزیونیست در گذشته از آن سخن

میگفتند بی آنکه سخنی و محلی از اعراب از برای جنگ خلق در عمل در میانه باشد. چنان سخن گفتن هایی از کودتا گرایی و طرح های کودتا قیامی آغاز یافته و به مماشات و تسلیم طلبی های بعدی منجر گردید.

برای آنکه بتوان جلو انحرافات و رویزیونیسم را گرفت باید خط سرخ صدر اکرم یاری را برگفته و در پویه آن بسوی انقلاب دموکراتیک نوین رهسپار گردید! انقلابی که از کوره های آتشین جنگ خلق زایش بالایش پالایش و سرانجام چیره گی خواهد یافت.

مرگ به وطن فروشان "خلقى" - پرچمی و کارنامه ننگین شان

نفرین به ببرک کارمل شیاد و خاطره ننگین به قدرت رسیدن برده وارث

ششم جدی نماد اسارت و برده گی را تقبیح میکنیم!

درود سرخ به روان شهیدان انقلاب دموکراتیک نوین!

به سوی پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین به پیش!

زنده باد جنگ ممتد خلق های زحمتکش و رزمنده ی کشور!

انقلاب زنده باد!

سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)

ششم جدی 1392 خورشیدی